



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 13, No. 1, 2024
Research Paper

Analysis of semantic domains of words in the Holy Qur'an, a case study Surah Al-Waki'ah

Mina Azimifar, Abbas Eghbaly, Rohollah Saiiady Nezhad

PhD student of Arabic language and literature, Kashan University, Kashan,
Iran

Professor of Arabic language and literature, Kashan University, Kashan,
Iran

Associate Professor of Arabic language and literature, Kashan University,
Kashan, Iran

Abstract

In the linguistics and semantics of the words of a text, it is important to analyze a set of words with the same meaning that are in a "semantic field" of that text. This linguistic approach, in better identification of a purposeful text such as the Holy Quran, is effective as the best example of rhetorical text and the most expensive literary text; Because the Qur'an has a frequency of words that are semantically convergent and related to each other and are in the same field of meaning. Undoubtedly, with different methods and approaches, including semantics, it is possible to understand some of the symbolic aspects of these words and the rhetoric of the Qur'an. Based on this, in the following research, with analytical-descriptive method, the words included in the field of meaning (mediational field) of extraction and the semantic relations between them have been examined and explained, and it has been found that: words that despite the difference in words in the field of meaning, describe the resurrection, are compatible with the name of this surah and its opening verses. Also, different words that are based on the relation of opposition (contradiction) in the same field of meaning, have a common meaning in describing the event of Qiyamah.

Keywords: Dilali analysis, Semantics, Semantic domain, Surah al-Waki'ah.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.138753.1893>

تحلیل دلالتی حوزه‌های معنایی الفاظ در قرآن مجید بررسی موردی سوره واقعه

مینا عظیمی فرا^۱، عباس اقبالی^{۲*}، روح الله صیادی نژاد^۳

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

mina_azimi_90@yahoo.com

استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

aeghbaly@kashanu.ac.ir

دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

saijadi57@gmail.com

چکیده

در زبان‌شناختی و معناشناسی الفاظ یک متن، واکاوی مجموعه‌ای از الفاظ هم‌معنا در آن متن حائز اهمیت است که در یک «حقل دلالتی» (حوزه معنایی) قرار دارند. این رویکرد زبان‌شناختی، در شناسایی بهتر یک متن هدفمند مانند قرآن مجید، به‌مثابه عالی‌ترین نمونه متن بلاغی و گران‌سنگ‌ترین متن ادبی کارآمد است؛ زیرا قرآن از بسامد الفاظی برخوردار است که از نظر معنایی همگرا و با یکدیگر مرتبط‌اند و در یک حوزه معنا قرار می‌گیرند. بی‌تردید با شیوه‌ها و رویکردهای مختلف از جمله معناشناسی می‌توان به برخی از جنبه‌های دلالتی این الفاظ و بلاغت قرآن پی برد؛ براساس این، در جستار پیش‌رو با روش تحلیلی - توصیفی، الفاظ مشمول حوزه معنی (حقل دلالتی) استخراج شدند و روابط معنایی میان آنها بررسی، تبیین و معلوم شده است؛ واژگانی که با وجود اختلاف لفظی در حوزه معنایی وصف «قیامت» جای دارند و با نام این سوره و آیات آغازگر آن سازواری دارند. همچنین، الفاظ مختلفی که براساس رابطه تقابلی (تضاد) در یک حوزه معنایی هستند، در توصیف واقعه قیامت اشتراک معنایی دارند و شمولیت الفاظ هم‌معنا، جامعیت توصیف صحنه‌های قیامت و بهشت را رقم زده است. واژگان کلیدی: تحلیل دلالتی، معنی‌شناسی، حوزه معنایی، سوره واقعه.

۱. طرح مسئله

ازجمله مباحث زبان‌شناختی، انواع دلالت‌ها، اعم از دلالت‌های علم منطقی (دلالت وضعی، عقلی و طبیعی) (مظفر، ۱۳۷۸ش، ص ۶۷) و دلالت‌های زبانی، یعنی دلالت آوایی، صرفی، نحوی و معجمی (لغت‌نامه‌ای) است (عبدالجلیل، ۲۰۰۲م، ص ۶۴؛ سوسور، ۱۳۹۲ش، ص ۹۶؛

روبینز، ۱۳۷۰ش، ص ۳۷۵). در معناشناسی دلالت‌های

معجمی، نظریه حوزه‌های معنایی شایان توجه است. این نظریه در کشف مفاهیم الفاظ و دستیابی به معنای دقیق آنها، بسیار کارآمد است و به‌منزله ابزاری در شناخت معنا بوده است و در کشف مفهوم عبارات‌ها و دستیابی به پیام‌های فرامتنی الفاظ و عبارات نقش به‌سزایی دارد.

دوره معاصر نیز به‌طور مشخص، معناشناسی الفاظ قرآن و وجه همت برخی از پژوهشگران شده است؛ از جمله:

- مطیع و همکاران (۱۳۸۸ش) در مقاله «درآمدی بر استفاده از روش‌های معنی‌شناسی در مطالعات قرآنی» شیوه‌های درک معنای الفاظ قرآن را بررسی کرده‌اند.

- حسن جعفری (۱۳۸۸ش) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی وحی»، ساختار زبان‌شناسی وحی را با تکیه بر نظریه فردینان دو سوسور بررسی کرده است.

- سعیدی روشن (۱۳۸۸ش) در مقاله «روش پلکانی مفهوم‌شناسی واژگان قرآن» نقش معنای عرفی، وضعی و عرف خاص قرآن در شناخت معنای مفردات قرآن را بررسی کرده است.

- محمد غضنفری (۱۳۸۹ش) در مقاله‌ای با نام «نگاهی به واژگان قرآن از منظر زبان‌شناسی»، الفاظ قرآن را براساس مطالعات زبان‌شناسی و با نگرشی نوین تحلیل کرده و اهداف بلاغی، معنایی و زیباشناختی الفاظ را بررسی کرده است.

- علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۰ش) در کتاب *معناشناسی قرآن*، توانایی روش‌شناختی را در بررسی و تحلیل دلایل اختلاف تعبیر و تفاسیر قرآنی بیان کرده و خاطر نشان کرده است که تعبیر قرآن را بدون ارجاع به دیگر صورت‌ها می‌توان بررسی کرد.

- حری (۱۳۹۱ش) در مقاله «مناسبت‌های بینامتنی و درونی سوره‌های "نازعات، مرسلات و ذاریات"» تلاش کرده است روابط بین واژگان سوگند در یک سوره را با قسمت‌های دیگر همان سوره و نیز با دیگر سوره‌های دارای الفاظ سوگند بررسی کند و نتیجه گرفته است که روابط بسیار نزدیکی میان آنها وجود دارد.

- لطفی و همکاران (۱۳۹۲ش)، در مقاله «حوزه معنایی تدبر در قرآن کریم» پس از پرداختن به جایگاه حوزه معنا در دلالت‌های معنایی، با رویکردی معناشناختی، مفاهیم حوزه معنایی «تدبر» در قرآن را بررسی کردند.

این رویکرد زبان‌شناختی و مبنای معناشناسی را می‌توان در متن‌پژوهی آیات شریفه قرآن نیز به کار برد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های قرآن مجید بسامد الفاظ مختلفی است که از نظر دلالت و واژگانی براساس نوع رابطه معنایی در حوزه‌های معنایی با یکدیگر ارتباط دارند. شناسایی روابط معنایی الفاظ این حوزه‌ها، به گره‌گشایی لایه‌های معنایی پنهان آیات می‌انجامد؛ از این رو، برای شناسایی نمونه این پدیده در قرآن مجید، جستار حاضر به سراغ یکی از سوره‌های قرآن (سوره واقعه) رفته و در پی آن است که پاسخ پرسش‌های زیر را بیابد:

- در سوره مبارکه واقعه چه الفاظی براساس دلالت معجمی در یک «حوزه معنایی» قرار می‌گیرند؟
- الفاظ سوره واقعه کدام‌یک از انواع روابط حوزه معنایی را دارند؟

- واژگان سوره واقعه که در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند در بلاغت معنایی چه نقشی دارند؟
از این رو، از رهگذر استقراء الفاظ برجسته این سوره و توصیف و تبیین روابط این الفاظ، حوزه معنایی آنها معلوم می‌شود و براساس نظریه حوزه‌های معنایی، مفاهیم مشترک و پیام‌های نهفته این قبیل الفاظ بررسی و تحلیل می‌شوند.

۲. پیشینه پژوهش

در زبان‌شناسی عربی، توجه به الفاظ «حوزه معنا» یا «حقل دلالی» پیشینه‌ای دیرینه دارد؛ زیرا میراث ادب عرب سرشار از آثار مدونی است که به حوزه‌های معنایی الفاظ عربی پرداخته‌اند؛ مانند کتاب *الالفاظ ابن السکیت*، کتاب *ادب الکاتب ابن قتیبه* و کتاب *المخصص* تألیف ابن سیده که در چند مجلد تدوین شده است و کلماتی که از نظر معنایی با یکدیگر مرتبط هستند را در یک‌جا جمع‌آوری کرده است و نیز کتاب *فقه اللغة و سر العربیه* اثر ثعالبی که در آن به حوزه‌های معنایی الفاظ توجه شده است. در

در بلاغت این سوره بیان شوند؛ ازاین‌رو، این پژوهش، مستقل و نوآور است.

ذکر این نکته ضروری است که بررسی حاضر صرفاً جنبه زبان‌شناختی دارد و به هیچ‌وجه در پی تفسیر آیات شریفه مربوط به مطالعات تخصصی تفسیری نیست.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱. معنا و معناشناسی

«معنا» همان معنی ثابت و مربوط به هسته معنایی واژگان و در واقع تصور معنایی یک نشانه زبانی است (سوسور، ۱۳۹۲ش، ص ۹۶؛ سجودی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۷). نشانه زبانی درحقیقت از دال و مدلول ترکیب شده است؛ دال همیشه دارای مدلول و مدلول نیز پیوسته دارای دالی است؛ برای مثال، «صوت» به‌مثابه یک نشانه زبانی، «دال» و تصور معنایی آن را نیز «مدلول» می‌گویند (سوسور، ۱۳۹۲ش، ص ۹۶؛ چندلر، ۱۳۸۷ش، صص ۴۲-۴۴). با تکیه بر این تعاریف، نشانه زبانی و معنا همیشه با هم هستند که البته معنا دارای گستره بسیار وسیعی است؛ ازاین‌رو، بسیاری از الفاظ براساس روابط معنایی در حوزه‌های معنایی یکسان قرار دارند و معناشناسی، روابط بین لفظ و معنی را تحلیل (ایزوتسو، ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۰؛ بی‌پرویش، ۱۳۷۰ش، صص ۳۲-۳۱) و با تکیه بر مباحث مربوط به معنا، یک متن را واکاوی می‌کند و مفاهیمی را آشکار می‌کند که در بطن یک متن پنهان شده‌اند.

۳-۲. نظریه حوزه معنایی

میدان یا حوزه معنایی، مجموعه‌ای از الفاظ است که دلالت‌هایشان به هم مرتبط است و غالباً تحت اصطلاحی کلی قرار می‌گیرند که آنها را به یکدیگر مرتبط می‌کند؛ مانند کلمه «الوان» که به‌مثابه یک مفهوم عام (رنگ)، واژگانی از قبیل «سیاه، سفید، زرد، قرمز و ...» را در بر می‌گیرد؛ ازاین‌رو، درک مفهوم یک لفظ، توجه به معنای مجموعه‌ای از الفاظ را می‌طلبد که از جهت معنا به

- هاجر اسدی (۱۳۹۳ش) در پایان‌نامه با عنوان «بررسی آیات زمان در قرآن کریم»، آیات زمان (دنیا، برزخ و آخرت) را استخراج و اهداف قرآن درباره ذکر هرکدام را تبیین کرده است.

- سلیمانزاده و حسینی (۱۳۹۵ش) در مقاله «معناشناسی واژگان قرآن کریم»، برخی از ابزارها مانند ریشه‌شناسی الفاظ، لغت‌شناسی، حدیث و دیگر دانش‌های مرتبط با معناشناسی الفاظ قرآن و نیز نظریات برخی مستشرقان را بیان کرده‌اند.

- سودابه درخشان‌فر (۱۳۹۵ش) در پایان‌نامه تحصیلی خود با عنوان «معناشناسی الفاظ مربوط به نماز» در قرآن کریم به تشریح معنایی و مفهومی دقیق این الفاظ پرداخته است.

- لطفی (۱۳۹۵ش) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر کاربرد نظریه حوزه معنایی در مطالعات قرآنی» براساس نظریه حوزه‌های معنایی، معنی یک لفظ را در گرو درک معانی واژگان مرتبط با آن می‌داند.

- رحمون سماح (۲۰۱۷م) در دانشگاه سوهاج پایان‌نامه‌ای با عنوان «میدان‌های معنایی الفاظ در سوره "یس"» تدوین کرده و روابط مفهومی واژگان سوره «یس» را مبتنی بر رویکرد ساخت‌گرا و معناشناسی رابطه‌ای بررسی کرده است.

- أسماء ناجی (۲۰۲۲م) در مقاله «آیات الجزاء فی القرآن الکریم فی ضوء نظریه الحقول الدلالية»، حقل دلالتی (حوزه معنایی) را تعریف و نقش این نظریه در زبان‌شناسی و دلالت‌های هر زبان و مصادیق آن در آیات کیفی و پاداش قرآن را بررسی کرده است.

در پژوهش حاضر نیز تلاش شده است با روش تحلیلی - توصیفی، ویژگی‌های خاص زبان‌شناختی آیات سوره «واقعه» شناسایی شوند و روابط خاص معنایی بررسی و تحلیل شوند که بین الفاظ این سوره برقرار هستند و با تحلیل روابط معنایی الفاظی که در یک حوزه معنایی قرار دارند، پیام‌های نهفته و نقش این قبیل الفاظ

کلمات یک متن را گویند که با هم مترادف یا در تضاد معنایی باشند.

۳-۲-۱. حوزه اوزان اشتقاقی (صرفی) الفظی هستند که در ساختار صرفی با یکدیگر قرابت دارند: برای مثال، وزن «فعاله» در زبان عربی بر شغل و حرفه دلالت دارد؛ از این رو، الفظی که بر این وزن بیایند، با هم یک حوزه معنایی را تشکیل می‌دهند، مانند «زراعہ، حیاکہ، تجارہ و ...» و همچنین کلماتی که بر وزن «مفعل» (اسم مکان) باشند، مانند «مسجد، منزل و ...»، دارای یک حوزه معنایی هستند.

۳-۲-۱. حوزه‌های ترکیبی: شامل گروهی از کلمات اند که در کاربرد به هم مرتبط هستند؛ مانند سگ و پارس کردن، اسب و شیحه‌زدن، شکوفه و شکفته شدن و ...

۳-۲-۱. حوزه معنایی که در آن کلمات از بالا به پایین و برعکس گروه‌بندی می‌شوند؛ مانند اعضای بدن (الرأس، الصدر، البطن، الاطراف و ...) که از بالا به پایین یا برعکس به ترتیب دسته‌بندی می‌شوند (درقاوی، ۲۰۱۷م، ص ۱۴۴؛ عزوز، ۲۰۰۲م، ص ۱۷؛ صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۷؛ لطفی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۲).

۳-۲-۲. انواع روابط معنایی در یک حوزه معنایی

روابط معنایی الگویی نوین است که در آن ارتباط الفظ با یکدیگر از طریق مؤلفه‌های مختلف بررسی می‌شود. خاستگاه این روش به واکاوی میدان‌های معنایی برمی‌گردد؛ زیرا معنای یک لفظ فقط در ارتباط با سایر الفظ یک حوزه آشکار می‌شود. در حوزه معنایی، روابط معنایی در انواع مختلف آن یعنی رابطه هم‌معنایی، تقابلی، شمول، جزء و کل دیده می‌شود که آنها را تبیین می‌کنیم:

یکدیگر مرتبط هستند و باید روابط میان الفظ در داخل یک حوزه معنایی (حقل دلالی) بررسی شوند (مختار، ۱۹۹۸م، ص ۷۷؛ صالح الضامن، ۱۹۸۹م، ص ۷۵؛ الکرعین، ۱۹۹۳م، ص ۱۳۰).

پیشگام طرح نظریه «حوزه‌های معنایی» (لحقل الدلالی) در زبان‌شناسی، فردینان دو سوسور (ناجی أسماء، ۲۰۲۲م، ص ۲۶۶)، زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئسی بود که به پیوندهای مشارکتی اشاره کرد که بین کلماتی مانند ترس، خوف و دلهره وجود دارد و گفت: این الفظ در یک حوزه معنایی به نام «ترس» به هم پیوند خورده‌اند. بدین ترتیب با توجه به مفهوم حوزه‌های معنایی، واژه‌ها در قالب گروه‌هایی گنجانده می‌شوند که هر گروه، حوزه‌ای به نام «حوزه معنایی» را تشکیل می‌دهد و این حوزه مجموع کلماتی است که معانی نزدیک به هم و ویژگی‌های معنایی مشترکی دارند و تحت یک اصطلاح کلی قرار می‌گیرند (سوسور، ۱۳۹۲ش، ص ۹۸؛ افراشی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۶؛ صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۰۱).

نظریه «حوزه‌های معنایی» در تحقیقات متن‌پژوهی قادر است شبکه متصل به هم الفظ متن و روابط میان واژگان آن را مشخص کند؛ زیرا براساس این نظریه، زبان به نظامی سیستماتیک شبیه است که اعضای آن رابطه دوجانبه دارند و از طریق این روش می‌توان کاربرد و ویژگی‌های هر یک از اعضا را مشخص کرد. براساس نظریه حوزه‌های معنایی، درک کامل‌تری از الفظ یک متن و پیام‌های فرامتنی آنها فراهم می‌آید (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۶۳؛ قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۷-۶۶). در واقع، هدف اصلی حوزه‌های معنایی در معناشناسی رسیدن به معنای نسبی کلمات و عبارات است.

۳-۲-۱. انواع حوزه معنایی

۳-۲-۱. حوزه معنایی کلمات هم‌معنا و متقابل: آنگونه که از مفهوم این اصطلاح برمی‌آید، مجموعه‌ای از

این سوره توصیف معاد است. حتمیت وقوع رستاخیز، چگونگی برپایی قیامت، سرنوشت افراد، نتیجه کارهای نیک و گناهان و پاداش یا کیفر اعمال، وصف بهشت و توصیف جهنم در سرتاسر آیات آن برجسته است (مکارم، ۱۳۸۷ش، ج ۲۳، ص ۲۰۵؛ سید بن قطب، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۳۴۵۹؛ غلابینی، ۱۹۵۸م، ج ۲، ۲۴۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۵۵).

۵. انواع روابط معنایی موجود در آیات سوره واقعه

۱-۵. رابطه اشتراک معنایی الفاظ

اشتراک معنایی در الفاظ، عامل مهم دسته‌بندی آنها در یک میدان معنایی بوده است و الفاظ موجود در یک میدان، اعضای یک نظام معنایی را سازمان‌دهی می‌کنند که در رابطه با یکدیگر هستند؛ به این الفاظ و اعضا به دلیل ویژگی مشترکی که دارند، «هم‌حوزه» می‌گویند (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۳؛ مختار، ۱۹۹۸م، ص ۷۷).

این نوع از هم‌معنایی در سوره واقعه در الفظی به چشم می‌خورد که در توصیف‌های مربوط به خداوند (وصف صفات فعلی)، طبیعت، اعضا و جوارح انسان، حواس، گناهان و وصف قیامت آورده شده‌اند که اینک به شرح آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۵. اشتراک معنایی الفاظ دال بر قدرت خداوند

در قرآن کریم از قدرت لایزال خداوند در دنیا و آخرت فراوان یاد شده است که از نظر دلالت‌های معنایی در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند. در آیات سوره واقعه، واژگان «أَنْشَأَ، خَلَقَ، جَعَلَ، قَدَّرَ، نَشَأَ، الزَّارِعُونَ، الْمُزْنِلُونَ و نُبِّدِلَ» حوزه معنایی قدرت و عظمت پروردگار را تشکیل می‌دهند.

* «أَنْشَأَ» (واقعه: ۳۵-۶۱-۷۱-۷۲): «انشاء» از ریشه «نشأ» و در اصل به معنی ارتفاع و بلندشدن (ابن فارس؛ ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۴۲۸-۴۲۹) است و به معنای خلق کرد (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۷؛ زمخشری، ۱۳۸۹،

۳-۲-۲-۱. رابطه مترادف یا هم‌معنایی: در مواردی است که یک لفظ با دیگری از نظر معنایی، مفهومی متشابه داشته باشد و بتوان به جای یک لفظ یا الفاظ در یک زنجیره زبانی، لفظ یا الفاظ دیگری را جایگزین کرد؛ بدون اینکه در مفهوم اصلی زنجیره‌ها تغییری ایجاد شود؛ مانند دو واژه (خوف و خشیه).

۳-۲-۲-۲. تقابل معنایی: به آن رابطه تضاد نیز می‌گویند که دو یا چند لفظ در تضاد معنایی یا تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ مانند «هدایت و ضلالت - صغیر و کبیر - زن با مرد» که متضاد هم هستند.

۳-۲-۲-۳. شمول معنایی یا تضمن: یعنی هر لفظ علاوه بر معنای واضح و ظاهر، امکان دارد مفاهیم و معانی دیگری را القا کند و به صورت ضمنی بر آن دلالت کند؛ برای مثال، لفظ «گل» شامل انواع گل‌ها مانند گل یاس، گل نرجس و ... می‌شود یا میان دو لفظ «گیاه» و «سیر» به‌عنوان زیرمجموعه گیاه، شمول معنایی برقرار است. همچنین، بین دو واژه «خوراکی» و «سیر» نیز این نوع رابطه وجود دارد.

۳-۲-۲-۴. رابطه جزء به کل: مانند رابطه دست با بدن یا رابطه چشم با سر.

۳-۲-۲-۵. رابطه تنافر: رابطه‌ای است که اعضا، همدیگر را نفی می‌کنند. وقتی می‌گوییم این پارچه زرد است، یعنی نمی‌تواند در آن واحد، رنگ آبی یا رنگ دیگری نیز داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸؛ محمد سعد، ۲۰۰۰م، ص ۸۱-۸۰؛ عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۴).

۴. محور بحث

۴-۱. معرفی اجمالی سوره واقعه

سوره واقعه از سوره‌های مکی قرآن کریم و نام «واقعه» یکی از اسم‌های روز قیامت است. موضوع مهم

«قدر» به معنای مقدار و اندازه یک چیز برحسب وزن یا زمان و مکان، اندازه‌گیری و نیز فرمان‌دادن، حکم‌کردن، محدودکردن حوادث و اشیا با علت‌های مادی و شرایط مکانی و زمانی (شعرانی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۸۸) آمده است. در اصطلاح نیز به معنای اندازه‌گرفتن اشیا و تعیین حدود و حدود وجودی برای آنها است (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۹۰). به بیانی دیگر، تقدیر یک امری از ناحیه خداوند متعال یعنی قراردادن آن به مقدار و اندازه‌ای است که حکمت او اقتضا دارد.

* «نشأ» (آیات ۶۵-۷۰): معنای فارسی «نشأ» اراده‌کردن و خواستن است و لفظ «مشیت» به معنای اراده است. بعضی این لفظ را به معنای ایجاد یک شیء و نیز رسیدن به آن می‌دانند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲). در استعمالات معمول جایگزین لفظ اراده می‌شود؛ اما «مشیت» درباره‌ی خداوند متعال به معنای ایجاد است و درباره‌ی غیر خدا به معنای رسیدن به یک چیز است.

برخی نیز عقیده دارند «مشیت» با «اراده» تفاوت دارد؛ «مشیت» نوعی تمایل است که بعد از تصدیق و تصور حاصل می‌شود که بعد از آن، تصمیم و عزم و سپس «اراده» محقق می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۱؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۵۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰۳؛ الطبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۴).

* «تبدل» (واقعه: ۶۱) به معنای ابدال و تبدیل و در این آیه به معنای جایگزین‌کردن است (ابراهیم، دت، ص ۱۲۲). «بدل» در لغت به معنی قرارگرفتن یک چیز به جای چیزی دیگر است و «بدل الشیء» یعنی یک شیء را تغییر داد؛ هرچند برای آن بدل و عوضی نباشد؛ برعکس «ابده» که با تعیین بدل و جانشین همراه است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۱۰).

* «الزارعون» (واقعه: ۶۴): «الزرع» یعنی انبات یا رویاندن که مخصوص ذات خداوند است. لفظ «الزارع» اسم فاعل آن یعنی کسی که عمل زرع انجام می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴،

ص ۴۵۵)، آغاز کرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۷۸۹؛ ابن درید، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۴۲۷؛ القرنی، ۲۰۱۱ق، ص ۵۳۵) و نیز ایجاد کرد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۷) است.

* «جعل» (واقعه: ۳۶-۶۵-۷۰-۷۳): فعل «جَعَلَ» به معنای خلق کرد (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۵۹)، ایجاد کرد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۸؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷)، احداث کرد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۵۴)، انشاء و ابداع کرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۱۸) است که شامل امور تکوینی و تشریحی است و نیز به معنای صیوروت (دگرگون شد) (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۵۹) است.

* «خلق» (واقعه: ۵۷-۵۹): این فعل به معنای آفریدن است که مختص خداوند است (ابراهیم، دت، ص ۱۶۳). لفظ «خلق» دارای دو معنی اصلی (تقدیر یک چیز فرسوده و نرم شدن یک شیء) است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۲۱۳). برخی از اهل لغت آن را به معنای ایجاد و پدیدآوردن دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲۱-۵۲۲؛ ابن ابی بکر، ۱۴۸۰ق، ص ۴۳۵). برخی نیز «خلق» را به معنای ایجاد چیزی بدون هیچ نمونه قبلی (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷۰) و نیز به معنای «تقدیر» (زمخشری، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷۱) و تعیین کردن حدّ و سرنوشت آفریده‌ها دانسته‌اند. عده‌ای لفظ «خلقت» را به معنای «فطرت» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۷۰) و صفت «خالق» را برای خدا به معنای «مُبدع» و نیز مخترع بدون هیچ نمونه‌ای (همان) معنا کرده‌اند. درباره‌ی تفاوت «جعل» با «خلق» آورده‌اند که در خلق کردن نوعی معنای تقدیر و در فعل «جعل» نوعی معنای تضمین و نیز وابستگی به خدا نهفته است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳).

* «قدر» (واقعه: ۶۰): به معنای مقدرکردن است (حسینی، ۲۰۰۳م، ص ۳۲۵). واژه «قدر» در اصل به معنای بیان کمیت یک شیء است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۸).

۵-۱-۲. اشتراک معنایی الفاظ هم‌معنای مربوط به

پدیده‌های طبیعی

قرآن کریم آکنده از اشاره به طبیعت و پدیده‌های آن است و انسان‌ها را متوجه ابعاد مختلف و زیبایی‌های آن می‌کند و به مطالعه در کتاب طبیعت و درنگ در شگفتی آن توصیه می‌کند که یادآور قدرت لایزال خداوند هستند. در سوره واقعه کلمات «الارض، الجبال، التراب، الماء، المزن، النار، الشجر و النجوم» در حوزه معنایی مظاهر و نمودهای طبیعت قرار دارند:

* «الارض» (واقعه: ۴): به معنای همان چیزی است که مردم روی آن زندگی می‌کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۱۲؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۹). واژه «الارض» در مقابل مکان بلند یعنی آسمان قرار دارد (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲)؛ اما در قرآن مجید، کلمه «أرض» براساس قرائن، مصادیق و معانی متعددی دارد.

* «الجبال» (واقعه: ۵): «جَبَل» به معنای کوه است که جمع آن «جبال» است؛ در آیات بسیاری به کار رفته است و گاهی اموری مانند سجده و تسبیح را نیز به آن نسبت داده‌اند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۸۵) و همچنین آنها را به‌عنوان میخ‌های زمین معرفی کرده است که مانع لرزش و بی‌قراری آن خواهند بود.

* «التراب» (واقعه: ۴۷): به معنای خاک و به آن بخش از لایه روئین زمین می‌گویند که زمینه‌ای برای روییدن انواع نباتات است (ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۱۰؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶۸؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۶۵).

* «الماء» (واقعه: ۶۸): در یک تعریف عام، «ماء» عبارت از یک ماده سیال لطیف و جاری است که قابلیت تحول به اشکال مختلف و متنوع را دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۲۰). بیشتر مفسران معنای «آب» را برای «ماء» ذکر کرده‌اند که مبدأ آفرینش جانداران است (شریف، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۱۰۳).

* «المزن» (واقعه: ۶۹): «مُزْن» به معنای ابرهای روشن و سفید است و برخی آن را به معنای ابرهای باران‌زا تعبیر

ص ۱۰۶؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۲۴). برخی از مفسران این آیه، عمل کشت را مخصوص انسان می‌دانند؛ اما عمل زراعت را مخصوص خدا می‌دانند؛ زیرا هر انسانی در کار زراعت، بعد از افشاندن دانه کنار می‌رود و این خداوند متعال است که با ایجاد عوامل متعدد طبیعی سبب رشد آن می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۵۲۹؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۴۳۶؛ فیض، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۷۷).

«المنزلون» (واقعه: ۶۹): پایین‌آورندگان؛ این تعبیر بیان‌کننده یکی از نشانه‌های صفات فعلی خداوند همانند «خلق و أنشأ» است.

با توجه به دلالت معنایی واژگان مترادف مذکور معلوم می‌شود. بین این واژگان و سیاق و بافت، ارتباط و هماهنگی عمیقی وجود دارد؛ هرچند در ساختار زبانی آیات قرآن، هر لفظی، بار معنایی ویژه‌ای دارد و مراد و مفهوم آن در مقایسه با دیگر واژگان هم‌معنا متفاوت است؛ برای مثال، در «خلق» تغییر و تبدیل شدن از یک حالت به حالتی دیگر (آفرینش از عدم یا آفرینش چیزی از چیز دیگر) مطرح است و در «نزول» نیز چنین حالتی مطرح است (آلوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۷-۱۸۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۹)؛ اما هر دو آنها مختص ذات مقدس الهی بوده‌اند و از صفات فعلی خداوند هستند؛ از این رو، «نزول و خلق» را در یک شبکه معنایی می‌توان قرار داد و تفاوت‌های ظریف آنها و جایگاه به‌کارگیری آنها از نشانه‌های فصاحت و بلاغت این کلام نورانی است.

این حوزه معنایی، این نکات را یادآور می‌شود که خلقت و آفرینش و هرگونه تحول بنیادین در جهان هستی، به قدرت لایزال خداوند متعال برمی‌گردد؛ براساس این، برپایی قیامت و پدیده‌های آن با قدرت خداوند متعال رخ خواهد داد.

ستاره و ستارگان استفاده شده‌اند؛ اما در آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ» (واقعه: ۷۵) به خود قرآن اشاره دارد؛ زیرا با آیات بعد مناسبت دارد که درباره وحی و قرآن است (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۶۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۵).

کاربست الفاظ «طبیعت»، معمولاً یادآور نعمت‌های پنهان و پیدای فراوانی است که خداوند متعال برای خلایق فراهم آورده است و از آنجا که پدیده طبیعت‌گرایی در قرآن کریم به‌منظور توجه‌دادن مخاطبان به آثار و قدرت لایزال الهی است، الفاظ حوزه معنایی «طبیعت»، برای اقناع مخاطب در پذیرش قدرت خداوند در برپایی قیامت نقش‌آفرین هستند که محور پیام این سوره است.

۱-۳-۵- اشتراک موجود در الفاظ مربوط به انسان

۱-۳-۱-۵. اعضا و جوارح انسان

مطالعه و دقت در اعضای بدن انسان و شگفتی‌های آن، از مهم‌ترین دروس خداشناسی محسوب می‌شوند؛ از این رو، قرآن، از انسان به‌مثابه نشانه‌ای شاخص در جهان آفرینش یاد می‌کند. در سوره مبارکه واقعه نیز الفاظ مربوط به اعضای بدن که یک حوزه معنایی را تشکیل داده‌اند عبارت‌اند از «بیمین (دست راست)، شمال (دست چپ)، بطون، حلقوم و عظام».

* «الیمین»: این لفظ در لغت به معنای دست راست یا سمت راست است (انیس، ۲۰۰۴م، ص ۱۰۶۷) که به نظر می‌رسد نام‌گذاری «اصحاب یمین» به اعتبار همین معنا باشد؛ یعنی کسانی که نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می‌کنند.

اصطلاح «اصحاب یمین» از دو واژه «اصحاب» (جمع صاحب و به معنی ملازم) و واژه «یمین» به معنی (قوت و شدت، هم‌پیمان، دست راست و جانب راست) ترکیب یافته است. لفظ «یمین» از ماده «یَمِن» مشتق شده است و معنی برکت نیز دارد (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۵۳۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۵۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۴،

و تفسیر کرده‌اند؛ به همین دلیل، هنگامی که هلال از لابه‌لای ابرها نمایان می‌شود، به آن «إِبْنُ مُرْنَةَ» یعنی (فرزند ابر) می‌گویند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۵۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۳۴).

* «النار» (واقعه: ۶۹): لفظ «نار» به معنای مطلق «آتش» و به معنی شعله‌ای است که در برابر حس انسان‌ها ظاهر می‌شود و به حرارت تنها نیز «نار» می‌گویند (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۳۵). برخی نیز معتقدند «نار» و «نور» از یک ریشه و همراه هم هستند؛ کثرت استعمال این لفظ درباره آتش جهنم در قرآن، به اندازه‌ای است که به‌عنوان یکی از اسامی معروف «جهنم» معرفی شده است (مکارم، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۳۰۴).

* «الشجر» (واقعه: ۷۱)، به معنای گیاهان ساقه‌دار است و در قرآن مجید در نقطه مقابل «نجم»، به معنای گیاهان بدون ساقه قرار داده شده و جمع آن «شجرات» و «اشجار» است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۸۷). در «مقائیس اللغه» آورده شده است که «شجر» دو معنا دارد: «ارتفاع و بلندی و تداخل اجزای یک چیز در همدیگر» و از آنجا که درختان از ارتفاع برخوردارند و نیز شاخه‌های آنها در همدیگر وارد می‌شوند و با هم تداخل دارند، به آنها «شجر» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۸).

* «النجوم» (واقعه: ۷۵): «نجم» هر نوع رویدنی بدون ساقه است که از داخل زمین سر بیرون بیاورد یا به معنای ستاره است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۲۳؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۳۲۹). در لغت این لفظ به معنی طلوع و بروز است؛ برای مثال، وقتی می‌گوییم «نجم القرن و النبات»، یعنی اینکه شاخ و علف ظاهر شد و روید. «ستاره» را هم به این دلیل «نجم» می‌گویند که طلوع‌کننده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۲۱). «نجم» هم به شکل مفرد (نجم) و هم به شکل جمع (نجوم) در قرآن به کار رفته است که در اکثر موارد، این کلمات در معنای

حوزه معنایی مربوط به اعضای بدن، حاکی از این مطلب است که خالق همه موجودات، فقط خداوند متعال است و تنها اوست که انسان را به بهترین شکل و تصویر خلق کرده و به او توان لازم را بخشیده است و در روز جزا، همه اعضای بدن، به دلیل اعمال نیک و بدی که انجام داده‌اند، بازخواست می‌شوند. به تعبیر قرآن «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس: ۶۵) باید پاسخگوی همه اعمال خود باشند.

۱-۳-۲. اشتراک معنایی الفاظ مرتبط با

حواس شناختی انسان

در بحث معرفت‌شناسی، حواس انسان از مهم‌ترین ابزارهای شناختی او به شمار می‌آید. در سوره واقعه الفاظ «یسمعون، یمسُّ، تنظرون و تبصرون» در حوزه معنایی حواس قرار می‌گیرند.

* «یسمعون» (واقعه: ۲۵): از ریشه «سمع» و به معنای گوش‌دادن و مربوط به حس شنوایی است (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۲۴۸؛ انیس، ۲۰۰۴م، ص ۴۹۹). این کلمه در اصل، به معنای قوه شنوایی است که اصوات را می‌گیرد و می‌فهمد. گاهی نیز به خود «گوش» و حالت «شنیدن»، «سمع» می‌گویند.

این تعبیر در معنای اجابت یک دعوت، گوش فرا دادن و تجسس نیز به کار رفته است؛ البته هرگاه این اصطلاح درباره خداوند متعال به کار رود، به معنای علم و آگاهی او نسبت به مسموعات است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۳۶۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۲۶).

* «مسَّه» (واقعه: ۷۹): از ریشه «مس» به معنای گرفتن یک چیز با دست (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۷۵) و مربوط به حس بساوابی است. این واژه در اصل به معنای «رسیدن»، «یافتن» و «دست زدن» است. مؤلف مجمع می‌گوید «مس» همانند لمس است؛ با این تفاوت که در «لمس» احساس وجود

ص ۲۷۰). این لفظ در آیات ۲۷-۳۸-۹۰-۹۱ سوره مبارکه واقعه تکرار شده است.

* «الشمال» (واقعه: ۴۱): متضاد «یمین» و در لغت به معنای دست چپ و سمت چپ است (انیس، ۲۰۰۴م، ص ۴۹۶). در اینجا نیز به نظر می‌رسد علت نام‌گذاری «اصحاب شمال» اشاره به کسانی دارد که به دلیل تکذیب رسالت انبیاء، کفر، انکارکردن مبدأ و معاد و گمراهی، خودشان را از رتبه انسانیت ساقط کرده‌اند و در روز قیامت نیز نامه اعمال خود را با دست چپ دریافت خواهند کرد.

* «البطن»: جمع «بطن» و به معنای شکم است. این لفظ به معنای نهان و پنهان، متضاد ظهور و آشکاری نیز هست که ظاهراً با مفهوم اصلی «بطن» یعنی شکم بی‌تناسب نیست (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۱).

* «الحلقوم» (واقعه: ۸۳): اصل این واژه، به معنی کندن و جداکردن است. لفظ «حلقوم» در واقع همان «حلق» متناسب با معنی جداکردن است و به مکان ذبح و نحر حیوان نیز گفته می‌شود. حروف اضافه‌ای که در «حلقوم» نسبت به «حلق»، یعنی دو حرف (واو - میم) وجود دارد، برای این است که این واژه بر معانی بیشتر و فراتر از «حلق» دلالت کند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۵؛ انیس، ۲۰۰۴م، ص ۱۹۳).

* «العظام» (واقعه: ۴۷): جمع «عظم» و به معنای استخوان و نیز سخت‌ترین بافت در بدن انواع مهره‌داران است (انیس، ۲۰۰۴م، ص ۶۱۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۱). لغت‌شناسان «عظم» را به هر چیزی اطلاق کرده‌اند که درزمینه نیروی معنوی یا مادی بر دیگران برتری داشته باشد. استخوان را به دلیل سختی، مقاومت و استحکام آن در برابر دیگر بافت‌ها نظیر گوشت، «عظم» نام‌گذاری کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۱۰).

و معصیت با واژه‌ها و الفاظ گوناگونی یاد شده است که هر واژه‌ای بیان‌کننده بخشی از آثار پلید آن است و نیز گوناگون بودن گناهان و معاصی را نشان می‌دهد. در این سوره، واژگانی که به گناه مربوط می‌شوند، الفاظی از قبیل مُتْرَفِینَ، یُصْرَوْنَ، الضَّالُّونَ، الْمُكذِّبُونَ و مُدْهِنُونَ هستند که حوزه معنایی گناهان (معاصی) را تشکیل داده‌اند.

* «مترفین» (واقعه: ۴۵): از ماده «ترف» به معنی تنعم و برخوردار شدن از انواع نعمت است و «مُتْرَف» نیز کسی است که از انواع نعمت و رفاه برخوردار باشد؛ به شکلی که او را سرمست گردانند، به سرکشی بکشاند، با ناز و نعمت در لذت‌های فراوان پرورش یابد، در انواع نعمت‌های مادی فرو رود و از معنویات غافل شود (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۸۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱، ص ۳۸۵).

* «یصرون» (واقعه: ۴۶): از ریشه «صر» یعنی «پافشاری کردن» است که غالباً برای پافشاری در گناه به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۲۲۴).

* «الضالون» (واقعه: ۵۱-۹۲): از لفظ «الضلال» و به معنای گمراه شدن از راه راست و مستقیم است. لفظ «الضالون» به گمراهان و منحرفان از راه حقیقت گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۰؛ تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۶۶۹). قرآن در لابه لای آیاتش برای توصیف گروه «الضالون» (گمراهان) مصادیق متنوع و بسیاری آورده است. * «المکذِبون» (۵۱-۸۲): یعنی تکذیب‌کننده حقیقت، تکذیبی که با عناد (لجاجت) در برابر حقایق دینی همراه است. این کلمه از ریشه «کذب» و ضد «صدق» است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۹۷؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۴).

* «مدهنون» (واقعه: ۸۱): از ریشه «دهن» به معنای روغن است؛ اما لفظ «مدهنه»، در معنای مدارا و ملایمت و نیز سستی و ضعف به کار می‌رود. کلمه «مدهن» وقتی درباره احادیث و کلام باشد، مفهوم تکذیب و شک را

دارد و در «مس» محکم‌چسبیدن مطرح است (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۸۴۲).

* «تنظرون» (واقعه: ۸۴): از ریشه «نظر» و به معنای دیدن و نگاه کردن (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۲؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۸) و مربوط به حس بینایی است. واضح است که نگرستن در کلام خداوند سبحانه، معمولاً با نوعی دقت و تأمل همراه است. در قرآن مجید دو فعل «نظر و یظنون» در معنای درنگ در یک پدیده و انتظار شناخت دقیق آن به کار رفته است.

* فعل «تبصرون» (واقعه: ۸): از ریشه «بصر» است که به معنای «چشم» و نیز به معنای «قوه بینایی» است. بعضی از مفسران، معنای اصلی «بصر» را نوری می‌دانند که با آن، موجودات دیده می‌شوند (مکارم، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۴۲۷). در قرآن کریم «بصر» در چندین معنا به کار رفته است: «علم و دانایی، چشم و قوه بینایی، بصیرت و درک قلبی». هنگامی که خداوند متعال را «بصیر» می‌خوانند، مقصود، بینایی و علم خدا به کل امور و دیدنی‌ها است. «بصیر» در لغت به دو معنا دلالت دارد: «بینا» که ضد «ضریر» است؛ یعنی کسی که از چشم بی بهره است و نیز به معنی «عالم» استعمال شده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹). در واقع، این واژه هم‌معنا با فعل «ینظرون» است.

حواس‌شناختی و ادراکات حسی، مسیر تفکر و تعقل و شناخت را برای انسان هموار می‌کنند. در سوره مبارکه واقعه تعبیر مربوط به شنیدن و نظر (نگریستن با دقت) در یک حوزه معنایی قرار دارند و مایه جلب توجه و تدبیر درباره مسائلی می‌شوند که محور آیات این سوره و مربوط به قیامت هستند.

۴-۱-۵. اشتراک معنایی الفاظ مربوط به معاصی (گناهان)

بی‌تردید قیامت هنگامه و صحنه پاداش اعمال نیک و کیفر عصیان‌ها و گناهان نابخشوده است. در قرآن از گناه

لفظ درواقع هشدار است که برای مواجهه و حضور در آن روز آماده و جدی باشیم و یقین داشته باشیم که روز قیامت با تمام پیامدها و آثارش در هر صورت خواهد آمد. * «یوم‌الدین» به معنای روز جزا و درحقیقت همان روز قیامت است. تعبیر «یوم‌الدین» در همه آیات قرآن مجید در معنای «قیامت» به کار رفته است (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۷۸۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۲، ص ۸۷؛ حویزی، بی تا، ج ۴، ص ۴۰۲). کلمه «دین» در اصل به معنای «جزا» است و درحقیقت مهم‌ترین برنامه‌ای که در روز قیامت به اجرا درمی‌آید، برنامه جزا و کیفر و پاداش است.

بی‌تردید اشتراکات معنایی موجود در این الفاظ که آنها را در یک حوزه معنایی قرار می‌دهد، به‌نوعی تکرار مفهومی را می‌رساند و بیان‌کننده تأکید قرآن کریم بر ضرورت توجه مخاطبان به مضامین و مفاهیم این الفاظ است.

۶. تقابل معنایی در الفاظ سوره واقعه

تقابل معنایی که در روابط برخی از الفاظ حوزه معنایی این سوره قرار دارد، از نوع تضاد اتجاهی است که در مخالف‌بودن جهت‌ها و مکان‌ها شکل می‌گیرد یا از نوع تضاد حد است که نفی و سلب یکی موجب اثبات و ایجاب دیگری می‌شود.

۶-۱- تضاد اتجاهی مانند تقابلی که در کلمه‌های زیر

دید می‌شود:

* «المیمنه ≠ المشئمه»: (واقعه: ۸-۹) میان این دو اسم تضاد اتجاهی وجود دارد. «میمنه» از ریشه «یمن»، از نظر برخی مصدر میمی و به معنی زیادی و استمرار در خیر و برکت (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹۴؛ مصطفوی، ج ۱، ص ۲۷۰) و از نظر برخی دیگر اسم مکان یعنی جایگاهی برای برکت و خیر است (الثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۳۶).

می‌رساند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۰؛ تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۴۱۹؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۶۵).

بسامد الفاظ هم‌معنای مربوط به گناه و انواع نافرمانی‌هایی که در این سوره یک حوزه معنایی را شکل می‌دهند، نشانه وحدت موضوعی حاکم بر این سوره و به‌نوعی تکرار و رسانای تأکید بر هشدارها است؛ هشدار بر اینکه مرتکبان گناه رها نمی‌شوند، به سزای اعمالشان می‌رسند و به تعبیر قرآن مصداق «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» (ابراهیم: ۴۲) خواهند بود.

۳-۵. اشتراک معنایی الفاظ مربوط به وصف قیامت

قرآن کریم در آیات متعدد و با تعبیر مختلف از مسئله قیامت سخن گفته و در هر آیه ویژگی‌های آن هنگامه و صحنه را بیان کرده است که این گستردگی توصیف نشان‌دهنده ژرفای عظمت این پدیده و اهمیت زندگی بعد از مرگ است. در سوره مبارکه واقعه، واژگان و تعبیر «الواقعه، خافضه، رافعه، یوم معلوم و یوم‌الدین» که به روز قیامت یا یکی از معانی آن دلالت دارند، یک حوزه معنایی را تشکیل داده‌اند.

* «الواقعه» (آیه ۱): به معنای وقوع‌یافته، پیشامد، اتفاق افتاده و حادثه‌ای که وقوعش حتمی است و بدون شک اتفاق خواهد افتاد (تونجی، ۲۰۰۳م، ص ۵۲۴).

* «خافضه، رافعه» (آیه ۳): «خفض» یعنی فرآوردن و به زیر کشیدن و «رفع» یعنی بالا بردن و برافراشتن که هر دو از صفات روز قیامت هستند (عبدالمنان، ۱۹۹۸م، ص ۱۱۹۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۷۸؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۹).

* «يَوْمٌ مَّعْلُومٌ» (واقعه: ۵۰-۵۶): یک تعبیر قرآنی برای روز رستاخیر و به معنای قیامت است؛ روزی که بر همگان معلوم و مشخص است (عبدالمنان، ۱۹۹۸م، ص ۱۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۶۰). این

«الآخرین» نیز جمع و به معنای پسینیان و واپسینیان و متضاد «الأولین» است.

* «الجنه ≠ الجحیم» (واقعه: ۸۹-۹۴): لفظ «جحیم» از ریشه «جحم» مشتق شده است و به معنای شدت سوزش و حرارت آتش و نیز به معنای آتش عظیم و بزرگ است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۷) و در آیات قرآن به‌عنوان یکی از نام‌های معروف «جهنم» معرفی شده است (همان).

* «الجنه» از ریشه «جنن»، به معنای ستر و پوشیدگی و حفاظداشتن است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۴۲۱) و نیز به معنای باغ و بستان است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۲؛ ابن قتیبه، ۲۰۰۷م، ص ۴۴۵). در بسیاری از آیات قرآن برای توصیف باغ‌های دنیوی و همچنین وعده‌گاه ابرار، پارسایان و نیکان در آخرت آورده شده است.

* «المکذوبون ≠ الصادقون» (واقعه: ۵-۸۷): «المُکذِبُونَ» (تکذیب‌کنندگان - انکارکنندگان) (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۰، ص ۳۶)؛ این گروه کسانی هستند که حقیقت‌ها را دروغ می‌پندارند یا اینکه به حقایق نسبت دروغ می‌دهند.

* «الصادقون» کسانی هستند که عملشان مطابق با اعتقادشان باشد و کاری را انجام می‌دهند که مطابق با اراده و تصمیمشان است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۲۱۵). صدق و صداقت مجموعه‌ای از عمل و ایمان است که در آن هیچ‌گونه تخلف و تردیدی نباشد.

کاربست الفاظ متقابل در یک متن موجب گیرایی هرچه بیشتر معانی می‌شود و از زیبایی‌های مهم این آرایه این است که مخاطب هنگام مطالعه آن، برای دریافت دلیل و پیام کاربرد آرایه تضاد و آوردن واژگان متضاد به درنگ و اندیشه فرو می‌رود.

۷. رابطه شمول معنایی در الفاظ سوره واقعه

شمول معنایی یا تضمن در معناشناسی به حالتی اشاره می‌کند که معنای یک لفظ (خاص) به‌طورکامل به‌وسیله

«أَصْحَابُ الْمِیْمَنَةِ» به کسانی می‌گویند که مبارک و خجسته باشند و در سراسر عمر خود در طاعت خداوند متعال مستغرق شده باشند و نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند و روانه بهشت می‌شوند.

* «أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ»: «مَشْأَمَةُ» از ریشه «شؤم» در مقابل «مِیْمَنَةُ» از ریشه «یمن» است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶). اینان گروهی از کافران و افرادی نامیمون و شوربخت هستند که هم باعث بدبختی خود می‌شوند و هم موجبات شوربختی جامعه را فراهم می‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۱۳۱؛ هاشمی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۴۶۴)؛ اما از آنجا که نامبارک‌بودن و خجسته و مبارک بودن در روز قیامت با توجه به این است که نامه اعمال انسان به دست چپ یا دست راستش قرار داده شود، این تفسیر و تعبیر (اصحاب شمال و اصحاب یمین) رایج شده است؛ به‌ویژه اینکه لفظ «شؤم» در لغت نیز به معنی گرایش به چپ کاربرد دارد.

* «الیمین ≠ الشمال» (واقعه: ۳۸-۴۱): «یَمِین» به معنای دست راست - جهت راست - نیکی و خیر - نیرومندی و غلبه است و واژه «شِمَال» نقطه مقابل «یمن»، سمت چپ و دست چپ است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۸۱؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۶، ص ۱۵۸).

۶-۲- تقابل و تضاد از نوع حاد در الفاظ

«خافضه ≠ رافعه» (واقعه: ۳): شرح این دو واژه متضاد در مدخل بیان حوزه معنایی الفاظ مربوط به قیامت آورده شد.

* «الأولین ≠ الآخرین» (واقعه: ۱۳-۱۴): «الأولین» جمع «اول» و اسم تفضیل به معنای نخستین و اولین و پیشکسوتان است که به مفهوم سائق و قدیم نیز کاربرد دارد؛ یعنی افرادی که زودتر از دیگران، نیازها و اهداف را می‌شناسند و برای اجابت و برآوردن آن به سرعت اقدام می‌کنند (التستری، ۱۴۲۳ق، ص ۴۸؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۷۰؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۱۰۲). واژه

و در یک حوزه معنایی از نوع رابطه شمولیت «عذاب» قرار می‌گیرند.

«الجحیم» (دوزخ): از نام‌های جهنم و دارای یک مفهوم عام است. همه کلماتی که در زیر ذکر می‌شوند و در آیات سوره واقعه آمده‌اند، در حوزه معنایی جحیم قرار دارند. الفاظ «السّموم: باد سوزان» - «الحمیم: آب جوشان» - «الیحمو: دود سیاه» - «الزّقوم: گیاهی تلخ و بدمزه و بدبو» - «الهیّم: بیماری عطش»، با رابطه اشتغال با واژه «الجحیم» پیوند دارند؛ این واژگان در آیات ۹۴-۹۳-۵۵-۵۴-۵۲-۴۳-۴۲ سوره مذکور آورده شده‌اند.

کاربست این واژگان در حوزه معنایی عذاب، مناظر و صحنه‌هایی از دنیای آخرت و عذاب‌های آن را به تصویر می‌کشند؛ کیفر اعمال کوچک و بزرگی که انجام شده‌اند و در روز قیامت و در برابر خداوند متعال محاسبه و بازخواست خواهند شد. خداوند متعال در کلام الله مجید، برای تأکید بر حتمیت این کیفرها و شدت عذاب‌ها، آنها را با تعبیر مختلف که همگی در یک حوزه معنایی قرار دارند و با تصویرهای دیداری و چشایی ترسیم و بیان کرده است.

* «الأرض»: «زمین» یک واژه عام است که در سوره واقعه آمده است و واژگان «الجبّال: کوه‌ها» - «التُّراب: خاک» - «الماء: آب» - «النار: آتش» در آیات ۷۱-۶۸-۴۷-۵-۴ این سوره، با رابطه شمولیت در مجموعه حوزه معنایی آن هستند.

* «فاکّه»: «میوه» از مفاهیم عام دیگری است که در سوره واقعه چشم‌نواز است و واژگان «سدر» - «طلح» که در آیات ۲۹-۲۸-۲۰ این سوره ذکر شده‌اند، جزء آن به حساب می‌آیند.

- شمول معنایی یکی از اساسی‌ترین روابط ساختاری در الفاظ یک حوزه معنا به شمار می‌رود و باعث شناخت محتوای معنایی آنان می‌شود و درک و فهم کامل‌تری از متن را در اختیار دریافت‌کننده متن قرار می‌دهد.

یک لفظ دیگر پوشش داده می‌شود که «عام» است و مفهوم و معنای فراگیرتری نیز دارد. الفاظی که از نظر شمول معنایی به یکدیگر مرتبط می‌شوند، از یک حوزه معنایی به شمار می‌روند؛ برای مثال، در سوره بحث‌شده کلمه «الجحیم» یک مفهوم عام است که کلمات «السموم، الحمیم، الیحمو، الزقوم و الهیم» را شامل می‌شود و در آیات ۹۴-۹۳-۵۵-۵۴-۵۲-۴۳-۴۲ آمده‌اند.

* «الجنّه»: توصیف بهشت و پدیده‌های مربوط به آن در این سوره به صورت مفصل بیان شده‌اند. انواع نعمت‌های بهشتی همچون میوه‌ها، چشمه‌ساران، گلستان‌ها و زنان زیبارو و همچنین نعمت‌های معنوی مانند رضوان الهی و ... فراوان یافت می‌شوند.

واژگان «سرر: تخت سلطنت، تخت پادشاهی» - «ولدان: کودکان، پسران» - «أکواب: کوزه‌های بی‌لوله و بی‌دسته» - «کأس: جام، کاسه» - «أباریق: کوزه‌ها، آبریزها» - «فاکّه: میوه» - «لحم طیر: گوشت پرنده» - «حور عین: حوری، زنان بهشتی زیبارو» - «سدر: درخت کُنار» - «طلح: درخت صمغ عربی، درخت موز» - «ظل: پناه، سایه» - «ماء: آب» - «فُرش: بساط، زیرانداز» - «ریحان: بوی خوش» که در آیات ۳۲-۲۸-۲۲-۲۱-۲۰-۱۸-۱۷-۱۵ سوره واقعه به کار رفته‌اند، در حوزه معنایی «الجنّه» قرار دارند و از مصادیق رابطه شمولیت به شمار می‌روند.

قرآن کریم برای ترسیم زیبایی‌ها و مشخصات بهشت و نیز اهل بهشت، آیات فراوانی را آورده است. در سوره واقعه نیز کاربست واژگانی که در حوزه معنایی (حقل دلالتی) بهشت قرار دارند، ملموس بودن مدلول آنها نشانه وجود مادی پدیده‌های بهشت است و بر معاد جسمانی دلالت دارند؛ همچنین، تنوع و گوناگونی این تعبیر یادآور انواع خیرات و نعمت‌های متنوع و فراوان بهشت برین است.

* «جَهَنّم» جایگاهی برای عذاب کافران، بدکاران و ستمگران در روز قیامت است. این مفهوم با الفاظی توصیف و یاد شده است که بیان‌کننده کیفر دوزخیان است

۸. رابطه تنافر در الفاظ سوره واقعه

در بین الفاظ سوره مبارکه واقعه، واژگان «الارض - الجبال - التراب - الماء - المزن - النار - الشجر - النجوم» پدیده‌های طبیعی هستند و بین این الفاظ از نظر رابطه حوزه معنایی، رابطه تنافر وجود دارد؛ برای مثال، واژه «ارض»، نمی‌تواند جایگزین کلمه «جبل» شود یا برعکس «جبل» به جای «ارض» آورده شود؛ زیرا هریک از آنها ماهیت و مفهوم ویژه خود را دارند و نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند.

در بین بیشتر الفاظ حوزه معنایی مانند آنچه درباره طبیعت، اعضای بدن انسان، وصف بهشت یا توصیف جهنم آورده شد، رابطه معنایی «تنافر» برقرار است؛ برای نمونه، در حوزه معنایی الفاظ «جَنَه یا جَهَنم» بین الفاظ «سُرُر - وِلْدَان - اَكْوَاب - اُبَارِيق - كَأْس - مَعِين - فَآكِهَةٌ - فُرُش - حُور - رَوْحٌ - رِيْحَان - جَنَه - لَحْم طَيْر - سِدْر - طَلْح - ظِل - الماء» یا واژگان «سَمُوم - حَمِيم - يَحْمُوم - زَقُوم - اَلْهَيْم - جَحِيم» رابطه تنافر دیده می‌شود؛ زیرا هیچ‌یک از این الفاظ نمی‌توانند به جای دیگری قرار بگیرند.

همچنین، در حوزه معنایی «المعاصی» در سوره واقعه که شامل الفاظ «الترف - الإصرار - الضلال - الكذب - المداهنه» می‌شود، رابطه معنایی تنافر برقرار است. نقش این رابطه (تنافر) توجه‌دادن مخاطبان به مفهوم علی‌حده هریک از واژگان و پیام آنها است و همچنین، ضرورت دقت در ترجمه این واژگان را می‌رساند.

۹. رابطه جزء به کل

* لفظ «المزن» در این سوره یک لفظ کلی است؛ از طرفی، لفظ «الماء» یک لفظ جزئی به حساب می‌آید؛ در نتیجه، «الماء» جزئی از «المزن» است که نشان‌دهنده رابطه جزء به کل در میان این دو لفظ است. این دو لفظ در آیات ۶۸-۶۹ سوره واقعه استفاده شده‌اند.

۱۰. تحلیل روابط موجود بین حوزه‌های معنایی الفاظ

سوره واقعه

براساس آنچه از روابط الفاظ سوره مبارکه واقعه بیان شد، همه الفاظی که مصداق حوزه معنایی «حقل دلالی» هستند، اعم از واژگانی که به اصل «قیامت» یا به مظاهر قدرت خداوند اشاره دارند، بین آنها «اشتراک» برقرار است و در یک حقل دلالی قرار دارند. بسامد این الفاظ و رابطه و اشتراک معنایی آنها نوعی تکرار مفهومی و تأکید بر قطعیت برپایی قیامت را می‌رساند.

در حوزه معنایی «بهشت و جهنم» نیز رابطه شمولیت برجسته و چشمگیر است؛ علاوه بر اینها رابطه تقابل، جزء و کل نیز مصداق دارد. وجود انواع روابط حوزه معنایی در این سوره، نشانه نقش این رویکرد زبانی در تبیین پدیده قیامت و جلب نظر و اقتناع مخاطب است.

۱۱. نتیجه

در این تحقیق با روش تحلیل معناشناسی، الفاظ سوره مبارکه واقعه، بررسی و حوزه‌های معنایی و روابط موجود بین آنها بررسی و معلوم شدند:

- بسامد انواع روابط معنایی در سوره مبارکه واقعه، اغلب درباره وصف بهشت و نعمت‌های مربوط به آن، رویدادها و مسائل جهان بعد از مرگ، عالم برزخ، قیامت و احوال نیکوکاران و بدکاران است.

- الفاظی که در سوره مبارکه واقعه مصداق حوزه‌های معنایی قریب‌المعنی هستند، به نمونه‌هایی از قدرت خداوند متعال اشاره دارند و بسامد این الفاظ نیز قدرت خداوند را در برپایی قیامت و رستاخیز یادآور می‌شوند.

- واژگانی که به‌رغم اختلاف لفظی در حوزه معنایی وصف قیامت قرار دارند، با نام این سوره و آیات آغازگر آن سازواری تام دارند.

- الفاظ مختلفی که براساس رابطه تقابل (تضاد) در یک حوزه معنایی قرار دارند، در توصیف حقایق صحنه «قیامت» اشتراک معنایی دارند.

- رابطه شمولیت در الفاظ هم معنا، جامعیت توصیف صحنه‌های قیامت و بهشت را رقم زده است.

کتابنامه

* قرآن مجید

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابراهیم، محمد اسماعیل. (بی، ت). *معجم الألفاظ و الاعلام القرآنیة*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*. تصحیح: طاهر احمد زوی، قم: اسماعیلیان.

ابن ابی بکر القرطبی، محمد بن أحمد. (۱۴۸۰ق). *الجامع لأحكام القرآن و المبین لما تضمنه من السنه و آی الفرقان*. تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، د ط، القاهرة: مؤسسه الرساله.

ابن درید محمد بن حسن. (۱۳۸۶ش). *ترتیب جمهور اللغة*. ط ۱، مشهد: نشر قدس الرضویه

ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.

ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبد الله مسلم. (۲۰۰۷م). *تفسیر غریب القرآن*. تحقیق: احمد صقر، بیروت: المكتبة العلمیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۵۶م). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

افراشی، آزیتما. (۱۳۸۱ش). *اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات فرهنگ کاوش.

انیس، ابراهیم و همکاران. (۲۰۰۴م). *المعجم الوسیط*. مصر: مکتبه الشرق الدولیة.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۹۳ش). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه: احمد آرام، چاپ نهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

بی یرویش، مانفرد. (۱۳۷۰ش). *زبان شناسی جدید*. ترجمه: محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات آگه.

بیضاوی، ابو سعید. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التنزیل (تفسیر البیضاوی)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

التستری، سهل بن عبدالله. (۱۴۲۲ق). *تفسیر التستری*. تصحیح: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.

تونجی، محمد. (۲۰۰۳م). *المعجم المفصل فی تفسیر غریب القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

الثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. تصحیح: ابومحمد ابن عاشور، بیروت: دار الاحیاء.

جوهری، أبو نصر. (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. تصحیح: عطار، عبدالغفور، ط ۴، بیروت: دارالعلم.

چندلر، دانیل. (۱۳۸۷ش). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه: مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.

حسینی شیرازی، محمد. (۲۰۰۳م). *تبیین القرآن*. چاپ سوم، لبنان: دارالعلوم.

حویزی، عبد علی بن جمعه. (بی، ت). *نورالتقلین*. چاپ اول، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

درفاوی، مختار. (۲۰۱۷). «نظریة الحقول الدلالية دراسة لحقل الولادة فی المخصص لابن سیده». *مجلة العلامة*، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۴۵.

رازی، ابوالفتوح. (۱۳۸۲ش). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح: ابوالحسن شعرانی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.

روبنیز، آر. اچ. (۱۳۷۰ش). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمه: علی محمد حق‌شناس، تهران: مرکز.

- ز مخشسری، ابوالقاسم جارالله. (۱۳۸۹ش). تفسیر
کشاف. ترجمه: مسعود انصاری، تهران: ققنوس.
سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲ش). نشانه‌شناسی کاربردی.
چاپ اول، تهران: نشر قصه.
سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی. (۱۴۲۳ق). مشاهد
القیامه فی القرآن. چاپ چهاردهم، القاهرة: دارالشروق.
سوسور، فردینان دو. (۱۳۹۲ش). دوره زبان‌شناسی
عمومی. ترجمه: کوروش صفری، چاپ چهارم، تهران:
هرمس.
شریف، عدنان. (۲۰۰۰م). من علوم الأرض القرآنیة. ط
اول، لبنان: دارالعلم للملایین.
شعرانی، ابوالحسن و محمد قریب. (۱۳۹۴). نثر طوبی
(دایره‌المعارف لغات قرآن کریم). چاپ ششم، قم:
انتشارات اسلامیة.
صالح الضامن، حاتم. (۱۹۸۹م). علم اللغة. د.ط، بغداد:
المکتبة الوطنیة.
صفوی، کورش. (۱۳۸۷ش). درآمدی بر معنی‌شناسی.
چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان.
ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). جوامع الجامع.
تحقیق: عبدالعلی صاحبی، مشهد: آستان قدس رضوی.
الطبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان
(تفسیر الطبری). تحقیق: بشار عواد، ط ۱، بیروت:
دارالمعرفه.
طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین.
تحقیق: احمد الحسینی، تهران: مرتضوی.
عبدالجلیل، عبدالقادر. (۲۰۰۲م). علم اللسانیات
الحدیثه. عمان: دارالصفاء للنشر و التوزیع.
عبدالمنان، حسان. (۱۹۹۸م). معجم ألفاظ القرآن
الکریم. ط ۲، مصر: مجمع اللغة العربیة.
عزوز، احمد. (۲۰۰۲م). أصول تراثیة فی نظریة الحقول
الدلالیة. بیروت: منشورات اتحاد الكتاب العربی.
- عسکری، حسن بن عبد الله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی
اللغة. بیروت: دارالآفاق الجدیة.
غلاینی، مصطفی. (۱۹۶۸م). جامع الدروس العربیة.
چاپ دهم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین.
چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵م). القاموس
المحیط. بیروت: دارالکتب العلمیة.
فیض الکاظمی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق).
تفسیر الصافی. تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه
الصدر.
فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی
غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دارالهجرة.
قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). معنائشناسی شناختی
قرآن. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
اسلامی.
قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام
القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش). تفسیر نور. چاپ یازدهم،
تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران:
دارالکتب الاسلامیة.
القرنی، ابن عبدالله عائض. (۲۰۱۱م). تفسیر میسر.
چاپ دوم، خراسان رضوی: انتشارات شیخ الاسلام احمد
جام.
الکراعین، احمد نعیم. (۱۹۹۳م). علم الدلالة بین
النظریة و التطبيق. ط ۱، بیروت: المؤسسة الجامعیة
للدراستات.
لطفی، مهدی و ستوده نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). «حوزه
معنایی تدبر در قرآن کریم». فصلنامه علمی زبان‌شناختی
قرآن کریم، دوره ۲، شماره ۲، صص ۵۴-۴۱.
محمد، محمد سعد. (۲۰۰۰م). فی علم الدلالة. چاپ
اول، قاهره: مکتبه زهراء الشرق.

- (1956). Arabic language. Beirut: Dar Sader.
- Afrashi, Azita. (1992). Thoughts in semantics. Tehran: Farhang Kawush Press.
- Anis, Ibrahim et al. (2004). al-Mujam al-Wasit. Egypt: Al-Sharq Al-Duwaliyeh Office.
- Izutsu, Toshihiko. (2013). God and man in the Qur'an. 9th edition. Tehran: Publishing Company.
- Biyervish, Manfred. (1991). New linguistics. Tehran: Agah Press.
- Baydawi, Abu Said. (1418 AH). Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tanzil (Tafsir al-Baidawi). Beirut: The Revival of Arab Heritage.
- Al-Tustari, Sahl bin Abdullah. (1422 AH). Tafsir al-Tustari. Edited by Mohammad Bassel Uyoun Al-Soud. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Tounji, Mohammad. (2003 AD). Al-Mujam al-Mufasal in Tafsir Gharib al-Qur'an. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmmyah.
- Al-Tha'labi, Ahmad bin Muhammad. (1422 AH). Al-Kashf and Al-Bayan on Tafsir al-Qur'an. Edited by Abu Muhammad Ibn Ashour. Beirut: Dar Al-Ihiya.
- Johari, Abu Nasr. (1407 AH). Sihah Taj al-Lugha and Sihah of Arabia. vol. 4. Beirut: Dar al-Ilm.
- Chandler, Daniel. (2017). Basics of semiotics. Second edition. Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini Shirazi, Mohammad. (2003). Explanation of the Qur'an. Third edition. Lebanon: Dar al-Uloom.
- Huweizi, Abd Ali bin Juma. (n.d). Noor al-Saqalain. First edition. Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute.
- Darghawi, Mukhtar. (2017). "The Theory of Al-Haqul al-Dilaliyah, the study of the field of birth in Ibn Sayyidah's al-Mukhasas". Al-Allama Journal. No. 4, pp. 145-155.
- Razi, Abulfutouh. (2012). Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in the interpretation of the Qur'an. Edited by Abolhasan Sharani. Qom: Ayatollah Mar'ashi Library.
- Ragheb Esfahani, Hossein Bin Mohammad. (1412 AH). Vocabulary of the Qur'an. Beirut: Dar al-Qalam.
- Rubeniz, R. H. (1991). A brief history of linguistics. Tehran: Markaz.
- Zamakhshari, Abulqasem Jarallah. (2010). Kashshaf commentary. Tehran: Quqnous.
- Sojoudi, Farzan. (2003). Applied semiotics.

- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۸م). علم الدلالة. چاپ پنجم، قاهره: عالم الكتب.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مظفر، محمد رضا. (۱۳۷۸ش). المنطق. چاپ هشتم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ش). پیام قرآن. چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناجیّ أسماء. (۲۰۲۲). «آیات الجزاء فی القرآن الکریم فی ضوء نظریة الحقول الدلالية». مجله علوم اللغة و الأدب، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۶۶-۲۷۷.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۷۹ش). فرهنگ قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات قم.

Bibliography

- The Holy Quran
- Alousi, Seyyed Mahmoud. (1415 AH). Ruh al-Ma'ani in the interpretation of the great Qur'an. Edited by Ali Abdulbare. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Ibrahim, Mohammad Ismail. (n.d). Qur'anic dictionary of words and information. First edition. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmieh.
- Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad. (1988). Al-nihayah fi gharib al-Hadith wa al-Athar. Qom: Ismailian.
- Ibn Abi Bakr al-Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1480 AH). Al-Jame liAhkam al-Quran. Cairo: Al-Risalah Institute.
- Ibn Dureid Muhammad Ibn Hasan. (2016). Tartib jumhour al-lughah. Volume 1. Mashhad: Quds al-Razavieh Publishing House
- Ibn Faris, Ahmad. (1399 AH). The dictionary of linguistic comparisons. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Qutaiba Dinwari, Abu Muhammad Abdullah Muslim. (2007). Gharib interpretation of the Qur'an. Beirut: Al-Maktabah Al-Ilmmyah.
- Ibn Manzour, Muhammad Ibn Makram.

- Edited by Hossein Alami. Tehran: Maktabah Sadir.
- Fayoumi, Ahmed bin Mohammad. (1414 AH). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir*. Qom: Dar al-Hijrah Institute.
- Ghaemina, Alireza. (2018). *Cognitive semantics of the Quran*. First edition. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1985). *Al-Jamae li-Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Press.
- Qaraati, Mohsen. (2013). *Interpretation of Nour*. 11th edition. Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center.
- Qurashi, Ali Akbar. (1412 AH). *Quran dictionary*. Tehran: Dar al-Kutab al-Islamiya.
- Al-Qarani, Ibn Abdullah A'ez. (2011). *Muyassar Interpretation*. Second edition. Khorasan Razavi: Shaykh al-Islam Ahmad Jam Press.
- Al-Kara'in, Ahmad Na'eem. (1993). *Science of Dilalah between theory and application*. I. 1. Beirut: Al-Jami'yah Institute of Studies.
- Lotfi, Mehdi and Sotoudehnia, Mohammadreza. (2012). "The semantic field of deliberation in the Holy Quran". *Linguistic Scientific Quarterly of the Holy Qur'an*. Volume 2. Number 2. pp. 41-54.
- Mohammad, Mohammad Sa'd. (2000). *Fi Ilm al-Dilalah*. First edition. Cairo: Zahra Al-Sharq Library.
- Mukhtar Omar, Ahmed. (1998). *Ilm al-Dilalah*. 5th edition. Cairo: Alam al-Kutub.
- Mustafavi, Hassan. (1981). *Researching the words of the Holy Qur'an*. Tehran: Translation company.
- Muzaffar, Mohammad Reza. (1999). *Logic*. 8th edition. Qom: Ismailian Press.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2016). *The message of the Qur'an*. 9th edition. Tehran: Darul Kutub al-Islamiya.
- Naji Asma (2022). "Verses of reward in the Holy Qur'an in the light of the theory of al-huqoul al-dilailiya". *Journal of Linguistics and Literature*. Volume 3. Number 3. pp. 277-266.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (2000). *Quran culture*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, Qom Publishing Center.
- First edition. Tehran: Qesseh.
- Seyed bin Qutb bin Ibrahim Shazili. (1423 AH). *Observations of Resurrection in the Qur'an*. 14th edition. Cairo: Dar al-Shurouq.
- Saussure, Ferdinand de. (2012). *General linguistics course*. 4th edition. Tehran: Hermes.
- Sharif, Adnan. (2000). *From Qur'anic earth sciences*. First volume. Lebanon: Dar al-Ilm for millions.
- Sharani, Abolhasan and Mohammad Gharib. (2014). *Tuba's Prose (Encyclopedia of Words of the Holy Quran)*. 6th edition. Qom: Islamiya Press.
- Saleh al-Damen, Hatam. (1989). *Linguistics D.T*. Baghdad: al-Maqtabah Al-Wataniah.
- Safavi, Kourush. (2017). *An introduction to semantics*. Third edition. Tehran: Surah Mehr.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1999). *Tafsir al-Mizan*. Qom: Islamic Publishing House.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1998). *Al Jawami al-jami*. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Al-Tabari, Muhammad bin Jarir. (1412 AH). *Jami al-Bayan (Tafsir al-Tabari)*. Volume 1. Beirut: Dar al-Marifa.
- Tureihi, Fakhreddin. (1996). *Majma al-Bahrain*. Tehran: Mortazavi.
- Abdul Jalil, Abdul Qadir. (02002). *Hadith linguistics*. Amman: Dar al-Safa for publishing and al-Tawzi'ah.
- Abdulmanan, Hassan. (1998). *Encyclopaedia of Al-Qur'an al-Karim*. I2. Egypt: Al-Lugha Al-Arabiah.
- Azouz, Ahmed. (2002). *Traditional principles in the theory of al-Huqoul al-Dilaliyah*. Beirut: Charters of Ittihad al-Kutub al-Arabiah.
- Askari, Hassan bin Abdullah. (1400 AH). *Differences in language*. Beirut: Dar al-Afaq Jadida.
- Ghalayini, Mustafa. (1968). *Jami Al-Durous Al-Arabiya*. 10th edition. Tehran: Nasser Khosro Press.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409 AH). *Kitab al-Ain*. Second edition. Qom: Hijrat Press.
- Firouzabadi, Mohammad bin Yaqoub. (1415 AD). *Encyclopaedia of Muhit*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Ilmiya.
- Faiz Al-Kashani, Mohammad Bin Shah Morteza. (1415 AH). *Al-Safi interpretation*.